



یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱ | ۱۲ شعبان ۱۴۴۴

گفت‌وگو

سرویس اجتماعی، ۰۰۸۸۴۹۸۴۰

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر داریوش صفرنژاد، کارشناس ارشد مسائل اوراسیا

ناتو «جنگ شناختی» را به قفقاز آورده است

درد

داس سر سربازان روس را می‌برند. اوکراینی‌ها خیلی سال است با روس‌ها درگیرند، درگیری دو تمدن غربی است، تمدن ارتدوکس و کاتولیک و پروتستان اما در تاریخ باهم چنین برخوردی نداشته‌اند. پس خط قرمز سوم ما حضور سلفی‌های تکفیری است. خط قرمز چهارم ما بحث‌های قوم‌طلبی است که قرار است به تجزیه ایران منجر شود.

هدف غایی بازیگران فرامنطقه‌ای از کنش‌های خود در منطقه قفقاز چیست؟

آنها در نهایت می‌خواهند بین قفقاز و جمهوری اسلامی، بین قفقاز و حوزه تمدنی اصلی‌اش فاصله‌ای بیندازند و انحراف در همگرایی ایجاد کنند. این آن چیزی است که باید مدنظر ما باشد. ما به عنوان کشور همسایه تمام تلاش خود را باید معطوف به این کنش و هشدار نسبت به کشورهای منطقه کنیم که حضور بازیگران فرامنطقه‌ای، نه به نفع ما و نه به نفع این کشورهاست. چون این چهار نیرو برای موجودیت دولت‌های این منطقه خطر است، چون رژیم صهیونیستی و ناتو تا زمانی با شما هستند که در جهت منافع آنها باشند.

اینکه رژیم صهیونیستی با ناتو و بازیگران منطقه‌ای دنبال منافع خود باشند به یک معنا طبیعی است. سؤال این است که ما در مقابل اینها چه کنیم؟ منظورم مجموعه‌ای از دستگاه‌های سیاست خار جی یا اطلاعاتی-امنیتی یا رسانه‌ای و فرهنگی است تا آن کمر بند محاصره شکسته شود.

حضور ناتو نماد حضور امریکا، انگلستان و غرب است. امروز ناتو فقط به خاطر ایران در منطقه حضور ندارد، بلکه می‌خواهد در کمربند شمالی ما از ترکیه تا شمال چین برود. حضور ناتو با هدف مقابله با سه قدرت است؛ ایران، روسیه و چین. از این زاویه حضور سلفی‌های تکفیری هم برای ایران تهدید است، هم برای روسیه و هم چین. روسیه بعد از فروپاشی با همین سلفی‌های تکفیری در قفقاز شمالی ۲۰سال جنگیده است. پوتین در کتاب خاطرات خود می‌نویسد وقتی فروپاشی اتفاق افتاد- او رئیس ک.ک.ب بود-ک.ک.ب را تعطیل و چندتکه کرد و پوتین را هم بیرون انداختند، می‌گوید: من سال‌ها در خیابان‌های مسکو با ماشین شخصی مسافر کشی می‌کردم. یک روز از کرملین سه من زنگ زدند بیا می‌خواهیم نخست‌وزیرت کنیم، چسرا! برای اینکه آتش تجزیه‌طلبی در قفقاز:شمالی- جزئی از قفقاز:شمالی- را بخوابانی. ۱۰سال در دوره غرب‌گرایی در روسیه و ۱۰سال بعد از اینکه پوتین آمد، روس‌ها تلاش کردند آتش تجزیه‌طلبی را خاموش کنند. بازیگران اصلی، همین لشکریان نیابتی سلفی تکفیری بودند و کرداندگان ناتو، امریکا، انگلستان، اروپا و در مرحله بعدی عربستان، امارات و ترکیه که برای جریان‌های تکفیری هزینه می‌کنند.

می‌خواهید بگویید حتی روسیه هم از این جریان‌ها آسیب دیده است؟

بله، شما نگاه کنید در چین گروهکی وجود دارد. البته پر تعدادتر از سازمان مجاهدین خلق و اتفاقاً رئیس این سازمان هم یک خانم است مثل همین مریم رجوری ملعون که دنبال تجزیه‌طلبی در منطقه مسلمان نشین چین هستند، به زعم خود او یغورستان مستقل در ذیل پان توراتیسم، پان کریسم، پشت اینها چه کسانی هستند؟ همین اعضای ناتو، پولش را چه کسانی می‌دهند؟ ناتو، ترکیه و عربستان، مثل کاری که درباره سازمان مجاهدین و گروه‌های تجزیه‌طلب ایرانی انجام می‌دهند، می‌خواهم بگویم فقط ما هدف باز یگران منطقه‌ای نیستیم.

برای تغییر این وضعیت چه باید کرد؟

سرمایه‌گذاری بر یک اتحاد منطقه‌ای برای کنترل این وضعیت ضروری است. چین، روسیه و جمهوری اسلامی باید یک دیپلماسی سه‌جانبه برای امنیت منطقه داشته باشند که منافع ملی ما هم در آن تأمین باشد، برای در امان ماندن از باز یگران منطقه‌ای اعم از شترکت‌ها، نهاده‌ها و سازمان‌ها یا بازیگران منطقه‌ای آنها مثل سلفی‌های تکفیری.

ما یکسری سازمان‌ها در این منطقه داریم مثل شانگهای یا اوپک، آیا این سازمان‌ها ظرفیت این کار را دارند؟

شانگهای و وجود آمد که امنیت را تأمین کند. در کنارش همکاری‌های اقتصادی را هم توسعه بدهد.

اینکه این سازمان تأسیس شده است یک چیز است. اینکه از این ظرفیت استفاده شده یا نه داستان دیگری است. همچنان که ناتو از ظرفیت‌های خودش به خوبی استفاده می‌کند، آیا شانگهای یا اوکازو این ظرفیت‌ها استفاده می‌کنند؟

اگو که نه، اوکوا ۷۱سال است تأسیس شده است. اول سه کشور عضو این سازمان بود. بعد از انقلاب اسم این سازمان به اگو تغییر یافت و بعد از فروپاشی با محوریت ایران به ۱۰ کشور ارتقا یافت. دبیرخانه دائمی این سازمان هم در ایران است، البته اگو بیشتر ساختار اقتصادی دارد اما سازمانی که می‌تواند در این حوزه ظرفیت‌سازی کند، شانگهای است و می‌داندیک که ما به تاژگی عضو این سازمان شده‌ایم و کارایی این سازمان هم به دیپلماسی فراگیری نیاز دارد، متوجه کردن خودمان و کشورهای عضو.

متصادفی از این توجه را بیان می‌کنید؟

ما همین که خودمان درک کنیم که فی‌المثل هر سلفی تکفیری نیست، بسیار راهگشا خواهد بود. ما سلفی محب اهل بیت(ع) هم داریم. سلفی‌های تکفیری دست‌پرورده ترکیه و ناتو هستند. می‌دانید در آسیای میانه اکثریت مردم مسلمان حنفی اهل سنت و سلفی هستند و محبت اهل بیت(ع) در دل دارند. یک سلفی در آسیای میانه- قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان-عشقش این است که حرم امام رضاع) بیاید و زیارت کند. ما حتماً باید راه را باز کنیم تا اینها با حذف روایتید وارد کشور شوند. اگر جامعه ما از عامه مردم تانخه‌ها، دانشجویان، مدیران و تجار تصویر درستی از مردمان آسیای میانه داشته باشد، به نفع منافع ملی ما خواهد بود. تا ما گفتیم سلفی سریع داعش در ذهن فرد شکل نگیرد. سلفی نقطه مقابل داعش است. ما یک جریان سلفی داریم، یک جریان وهابی جهادی یا تکفیری که به زعم خود دوران پیامبر را به دو دوران مکه و مدینه تقسیم می‌کنند، دوره تبلیغ و جهاد. سلفی‌ها قائل به تبلیغ هستند و نماد سیاسی‌شان هم اخوان‌المسلمین و حزب التحریر و امثالهم است. اصلا اهل مبارزه مسلحانه نیستند.



زندگیشوری جوان

ما در قفقاز جنوبی با مردم و حاکمان این منطقه مشکل نداریم، مشکل ما با بازیگران فرامنطقه‌ای است. این خط قرمز جمهوری اسلامی است، به خصوص ما در سیاست خارجی به شکل عام چند خط قرمز داریم. خط قرمز اول ما رژیم صهیونیستی است که ۳۱سال در قفقاز حضور یافته است. خط قرمز بعدی ما ناتو است و عضویت کشورهای منطقه در طرح مشارکت صلح ناتو. اینها خطوط قرمز اعلامی ما هستند

تالش‌ی‌ها را داریم که تعداد قابل توجهی شان سنن هستند اما در جمهوری آذربایجان اکثرأ شیعه ۱۲امامی هستند، با این حال زبان یکتی و جمعیت قابل توجهی هم هستند. شما می‌بینید در قریب‌اغ زبان فارسی جزو زبان‌های اصلی است.

عجیب نیست. چون اینها پاره تن ایران هستند. ما هم اینها را مفت از دست نداده‌ایم. آن موقع ۵۰۰هزار نفر شهید داده‌ایم. دو جنگ ۱۰ساله با تزارها داشته‌ایم. ۵۰۰هزار نفر به جمعیت آن روز ایران خیلی زیاد است. ما تمام توان‌مان را به کار گرفتیم اما خب شکست خوردیم.

بسیار خب! الان باید چه کنیم. همچنان که اتحادیه اروپا یا ناتو و غرب می‌آید در روابط همسایگی خود با کشورهای منطقه قفقاز برنامه‌ریزی می‌کند، ما چطور می‌توانیم از ظرفیت‌های خود به خوبی استفاده کنیم؟

ما در قفقاز جنوبی با مردم و حاکمان این منطقه مشکل نداریم، مشکل ما با بازیگران فرامنطقه‌ای است. این خط قرمز جمهوری

درد

امروز ناتو فقط به خاطر ایران در منطقه حضور ندارد، بلکه می‌خواهد در کمر بند شمالی ما از ترکیه تا شمال چین برود. حضور ناتو با هدف مقابله با سه قدرت است؛ ایران، روسیه و چین. از این زاویه حضور سلفی‌های تکفیری هم برای ایران تهدید است، هم برای روسیه و هم چین

حاکمان قفقاز عمدتاً متأثر از بازیگران فرامنطقه‌ای هستند، به ویژه غرب و امریکا، به خاطر همین تعارضاتی بین رفتار مردم و رفتار حاکمان می‌بینید. این منطقه، همسایه ماست و منهای گرجستان با همه این کشورها مرز داریم. خب وقتی باهم همسایه‌ایم، نیاز به سطح راهبردی همسایگی داریم. همچنان که اتحادیه اروپا هم این کار را کرده و این کشورها را همسایه خود تعریف کرده است.

در واقع شما می‌گویید دیدگاه مردم و حاکمان قفقاز جنوبی باهم نمی‌خواند. منظور تان درباره ایران است؟

بله، نگاه مردم و حاکمان منطقه قفقاز به جمهوری اسلامی باهم خیلی تفاوت دارد. مردم این منطقه اکثرأ نگاه محبت‌آمیز به ایران دارند. می‌دانید که در استان اصفهان فقط در بره‌های به ۶هزار نفر تابعیت دوم گرجی داده شد. طی دولت‌های نهم‌ودهم ساکائوئیل دو سفر به ایران داشت و با مردم منطقه دیدار کرد. منطقه فریدن و فریدون شهر گرجی زیاد دارد، همچنان که در استان اصفهان، آذربایجان شرقی، غربی و تهران ارمنی زیاد داریم. ما در ایران سوادن، لیبی و عراق می‌افتمیم که چطور این افراد سربازان طرف مقابل حتی زن‌های سرباز را می‌گیرند و مثل گوسفند سرشان را می‌برند و مثله‌شان می‌کنند. خب شیعه آذری این کار را نمی‌کند، ولو طرف مقابلش ارمنی باشد. دیدید که ۲۲شهریور امسال بعد از ۳۱سال ارتش آذربایجان وارد خاک ارمنستان شد. ۳۱سال قبل آذری‌ها یا قریه‌باغی‌ها می‌جنگیدند. قریه‌باغ هم داخل خاک آذربایجان بود. بعد از ۳۱سال در ظاهر ارتش آذربایجان وارد خاک ارمنستان شد. مسیسری را ۷۵/۸کیلومتر در عرض- جلو آمد اما بعد با واکنش جمهوری اسلامی، موضع‌گیری حضرت آقا،ای رئیس جمهور و مانور ستاد کل نیروهای مسلح و ارتش مواجه شد و فعلاً ترمز دستی را کشیده و ایستاده است. در همان تهاجم یک روزه. اینها تعدادی از اسرای سرباز وظیفه زن ارمنی را گرفتند و جلوی دوربین سرشان را بریدند. خب اینها همان سلفی‌های تکفیری یا اصطلاحاً اخوان اردوغانی هستند که در لباس ارتش آذربایجان این کارها را می‌کنند. اینها امروز در چند کشور دنیا بازیگران نیابتی ترکیه و ناتو به شمار می‌روند، در لیبی، سودان، سوریه، عراق، یمن، قفقاز جنوبی و حتی اوکراین. امروز این نیروها را در اوکراین در قالب شبه‌نظامیان مردمی آزوف جا داده‌اند که با

درد

اعضای ناتو برای اینکه ساختار جدیدی در مقابل‌شان شکل نگیرد، آمدند سازمان جدیدی را برقرار کردند به نام سازمان طرح مشارکت صلح ناتو و تقریباً تمام کشورهای جدیدالتأسیس و اعضای ایسمان ورشو، حتی روسیه را عضو سازمان مطرح مشارکت صلح ناتو کردند

اوستیای جنوبی در گرجستان. در منطقه قفقاز جنوبی، مردمان هر سه کشور اصلی به اضافه سه منطقه سیاسی خودخوانده که خود را مستقل می‌دانند، خودشان را به لحاظ تمدنی، ایرانی می‌دانند. اصلی‌ترین مخاطب ما در قفقاز جنوبی، مردم این منطقه هستند و گروه دوم، حاکمان. مردم فارغ از اینکه پیرو چه دین و مذهبی هستند، مسلمان شیعی یا سنی، ارمنی، مسیحی ارتدوکس یا هر تیره دیگری از مسیحیت یا تالش یا تات‌ها یا گرجی‌ها یا قریه‌باغی‌ها یا آبخاز بایی‌ها، اینها پیشینه تمدنی خود را مرتبط با ایران می‌دانند. قفقاز جنوبی موزائیک اقوام است. این اقوام خود را ایرانی می‌دانند. شما در موزه‌های‌شان هم که بروید آثار باستانی‌شان، قریب‌به‌اتفاق با الفبای فارسی است.

اینها بر اساس مشاهدات میدانی می‌گویید؟

بله، سال‌های زیادی در قفقاز جنوبی بوده و تردد کرده‌ام. شما در موزه‌ها می‌بینید آثار باستانی با الفبای فارسی است. در ۲۰۰سال اخیر این منطقه طی دو جنگ ۱۰ساله با تزارها از ایران جدا شدند، البته ما ۵۰۰هزار نفر شهید دادیم، علمای وقت حکم جهاد دادند، ولیعهد ایران همیشه در جبهه بود. شما به شمال غرب کشور سمت جلفا در نقطه صفر مرزی که بروید، یادبود ولیعهد آن موقع را می‌بینید، پس مردم قفقاز خود را تمدناً ایرانی می‌دانند. اتفاقاً الان ایامی است که اگر شما به جمهوری‌های قفقاز بروید- هم کشورهای اصلی و هم خودخوانده‌ها- مظهر این ایرانی بودن را آنجا به عینه می‌بینید. مردمان این منطقه چهار چهارشنبه‌سوری در چهار هفته باقیمانده به پایان سال را جشن بر گزار می‌کنند. جشن‌های نوروز این منطقه یک ماه طول می‌کشد. ما آیین نوروز را با «سیزده‌به‌در» تمام می‌کنیم اما آنها آیین را نوروز تمام می‌کنند. در آن چهار هفته جشن‌های خیابانی هم دارند. فارغ از اینکه طرف مسیحی است یا مسلمان، ارمنی یا ارتدوکس، به فرهنگ ایرانی متعهد هستند.

و حاکمان؟

۳۱سال است در ظاهر مستقلاً بازیگری می‌کنند اما در واقعیت

■ **حسن فرامرزی**

ایران کشوری با طیف وسیعی از همسایگان است و البته بازیگران فرامنطقه‌ای از دیرباز به دنبال آن بوده و هستند که روابط ایران را با همسایگانش مخدوش سازند. مطابق این سیاست و با تکیه بر عرصه‌های جدید جنگ نرم مدتی است این بازیگران با تمرکز بر منطقه قفقاز جنوبی

موضوع گفت‌وگوی ما درباره تأمین منافع ملی ایران در منطقه قفقاز جنوبی است. امروز اراده‌ای جدی در میان قدرت‌های غربی و رژیم صهیونیستی می‌بینیم که در جهت اخلال روابط ایران با همسایگانش به ویژه در منطقه قفقاز کار می‌کند. اگر بخواهیم به این منطقه نگاه درستی داشته باشیم، یکی از درگاه‌ها می‌تواند تحولات بعد از شکل‌گیری کشورهای این منطقه بعد از فروپاشی شوروی باشد. دیدگاه‌تان در این باره چیست؟

ما ۳۱سال است- از ابتدای سال ۱۹۹۲ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق- همسایگان شمالی جدیدمان یعنی قفقاز جنوبی را کنار خود داریم. می‌دانیم که منطقه قفقاز جنوبی از سال ۱۹۹۶ به نقشه اروپا پیوسته است. غرب، شمال و بخش‌هایی از شمال شرق خزر یعنی قزاقستان، همه به نقشه اروپا پیوسته‌اند و عضو شورای اروپا شده‌اند و در نهاد‌های اروپایی از جمله پارلمان اروپا نماینده دارند. البته این کشورها موقعی که به شورای اروپا پیوستند، خیلی مشتاق بودند عضو اتحادیه هم باشند. اتحادیه اروپا بنا به ملاحظات مختلف از جمله خود روسیه ۲۰سال قبل طرح مشارکت صلح شرقی را اعلام کرد. در راستای این طرح، اتحادیه اروپا شش کشور را همسایه شرقی خود خواند که سه کشور از کشورهای قفقاز جنوبی- آذربایجان، ارمنستان و گرجستان- بودند، در کنار اوکراین، مولداوی و بلاروس. این به آن معناست که این کشورها هیچ وقت عضو اتحادیه نخواهند بود و همسایگان شرقی تعریف شده‌اند. از طرفی چون سازمان مقابل ناتو، یعنی سازمان ورشو- سازمان نظامی بلوک شرق آن موقع- فرو و پاشیده بود، اعضای ناتو برای اینکه ساختار جدیدی در مقابل‌شان شکل نگیرد، آمدند سازمان جدیدی را برقرار کردند به نام سازمان طرح مشارکت صلح ناتو و تقریباً تمام کشورهای جدیدالتأسیس و اعضای ایسمان ورشو، حتی روسیه را عضو سازمان طرح مشارکت صلح ناتو کردند. **به عنوان یک مجرأ و فیلتر؟**

بله، برای اینکه بعدها رتقا بدهند و این کشورها را عضو ناتو کنند. هم اینکه کشورهای جدید عضو ناتو که از اروپا اضافه شده‌اند، اول عضو طرح مشارکت صلح شدند، این کشورها در طول این ۳۱سال به مرور عضو ناتو کردند. امروز ناتو ۳۰عضو دار د و این روند ادامه دارد و جزئی از کشمکش ترکیه و ناتو است. می‌دانید که ترکیه به عنوان عضو ناتو فعلاً از حق وتوی خود استفاده می‌کند و سوئد و فنلاند در کشمکش ترکیه و ناتو هستند. در حال حاضر جمهوری‌های قفقازی، عضو سازمان مشارکت طرح صلح ناتو هستند. فرماندهی منطقه جنوب شرق ناتو هم در ترکیه مستقر است. پس بازیگری ترکیه در منطقه پیرامون ما یکی به مامو ترکیه است، یکی به مامو فرماندهی جنوب شرق ناتو.

یعنی ترکیه، بازیگری دوگانه دارد.

بله و تمام رفتارهای ترکیه را با راهبردهای ناتو هم‌راستا و همسو ببینیم، شاید البته در برخی امور همراه نباشند و اتفاقاً به خاطر اینکه گاهی این همراهی به وجود نمی‌آید، این قدرت‌ها ابایی از لرزاندن پایه‌های قدرت در ترکیه ندارند، همچنان که شش‌ونیم سال پیش در ترکیه علیه حاکمیت این کشور کودتا کردند.

به قفقاز جنوبی برگردیم. چه تصویری از این منطقه دارید؟

قفقاز جنوبی در حال حاضر سه کشور مستقل دارد: آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و سه واحد سیاسی خودخوانده که ۳۱سال است مستقل اداره می‌شوند: قریب‌اغ در آذربایجان و آبخاز یا و



ایجاد دفاتر خبری در قفقاز را نباید هزینه کرد ببینیم. اینها دستاورد ملی دارد. شما به عنوان خبرنگار در منطقه حضور داشته باشید، می‌توانید گرای در دست بدهید به تاجر ایرانی و تاجر قفقازی و آسیای‌میانه و حلقه پیوند بین عرصه‌های مختلف باشید. به این ترتیب می‌توانید جنگ شناختی طرف سوم را که نمی‌خواهد این دو طرف به هم وصل شوند، خنثی کنید

گروه دوم وهایی‌های جهادی هستند که به زعم دوره جهاد پیامبر(ص) را الگو کرده‌اند که نماد آنها داعش است با مرکزیت عربستان و امارات و پشت پرده از سوی آمریکا و انگلستان تأمین مالی می‌شوند. گروه سوم ۱۲سال است که متولد شده‌اند. ترکیبی از سلفیت و تکفیر یا همان سلفی‌های تکفیری که اصطلاحاً به آنها اخوان اردوغانی می‌گویند و نمادهای شان جبهه النصره و جیش الفتح دهها گروه هستند که در سوریه تیلور پیدا کرده‌اند و سرریزان در لیبی، سودان، سومالی، عراق، یمن، قفقاز جنوبی و اوکراین فعالیت می‌کنند و علاوه بر ترکیه، بازیگران نیابتی ناتو هم هستند. اگر سلفی‌های تکفیری قفقاز جنوبی دوسال وپنج ماه است برای آذربایجان جنگ و مزدوری می‌کنند، فردا آن پول قطع شود، معلوم نیست وفاداری داشته باشند.

آنچه من از بیان شما برداشت می‌کنم این است که ما اگر بخواهیم برای پدیده‌های درست تصمیم بگیریم اول باید تصویر درستی از آن پدیده داشته باشیم، یعنی بفهمیم با چه طرفیم. اینکه اشاره می‌کنید این تما یزها درست دیده بود، قابل درک است، البته کار سختی است که واقعیت را آن گونه که هست ببینیم. اگر از این زاویه به داستان نگاه کنیم، دستگاه‌های کشور یعنی مجموعه دستگاه‌های حاکمیتی برای اینکه منافع ملی‌سارا در ارتباط با همسایه‌ها حفظ کنند، چقدر به داشتن تصویر درست از ظرایف و تمایزها تجهیز شده‌اند؟

به نظر کم است. تصویر وجود دارد اما دوز کمی دارد.

دوز چه؟

وضوح یک مثال بزنم. به همین حادثه‌ای که در سفارت آذربایجان در تهران روی داد نگاه کنید. ما نه تنها شکل‌گیری این حادثه که تمام حوادث قفقاز جنوبی را زمانی خوب متوجه می‌شویم که از نگاه میدانی یک پلشه بالا تر برویم و نگاه راهبردی و ژئولیتیک یا هلیکوپتری پیدا کنیم، یعنی پدیده را با اطراف آن ببینیم. حادثه چه زمانی می‌دهد؟ دقیقاً وقتی که آذربایجان بعد از ۱۳سال سفیرش را در اسرائیل تعیین می‌کند. آقای مختار ممداف، توجه کنید که ۱۳سال رژیم‌صهیونیستی یک طرفه در آذربایجان سفارت دارد، در حالی که آذربایجان هیچ دفتر سیاسی در اسرائیل ندارد. من نظرم این است که کل حادثه، سناریوی اسرائیلی‌ها بود. به آذری‌ها گفتند این کار را بکنید یک مدت ایران مشغول بود. حالا اگر آذربایجان واقعاً دنبال قطع رابطه بود، سرکشونلوگری ما در نخجوان را می‌بست. اسلا سرکشونلوگری تریز را می‌بست. مشکلات ما با حاکمان منطقه این است که متأسفانه گوش به فرمان بازیگران فرامنطقه‌ای هستند.

علت این موضوع چیست؟

حاکمان از جنس مردم نیستند، دست نشانده‌اند. به رغم اینکه از بین مردم آمده‌اند اما از جنس مردم نیستند، چون مردم این منطقه، فراتر از بحث دین، نژاد و قوم در حوزه تمدن، خود را با ما یکی می‌دانند. بازیگران فرامنطقه‌ای نشانی‌های غلطی به این حاکمان می‌دهند.

مثلاً؟

سه دهه است یک نشانی غلط در جمهوری آذربایجان در مقطع دکتری روابط و امنیت بین‌الملل و علوم سیاسی در کتاب‌های درسی تدریس می‌شود. می‌گویند ما برای اینکه با لابی ارمنه در کنگره امریکا مقابله کنیم، در اولویت اول باید برویم با لابی اسرائیل و صهیونیست در کنگره امریکا بهترین رابطه را ایجاد کنیم. این شاید در نظر اول درست باشد اما وقتی عمیق نگاه کنید، خواهید گفت چرا اتکای شما و نقطه امید شما به امریکاست؟ شما باید مشکلات خود را در منطقه با منطقه‌ای‌ها حل کنید، ضمن اینکه آنچه به عنوان مشکل طرح شده مشکل ریشه‌داری نیست و بازیگران فرامنطقه‌ای اینها را به وجود آورده‌اند که حضور خود را در منطقه توجیه کنند. انگلیسی‌ها از قدیم ضرب‌المثلی داشتند که اختلاف بینداز و حکومت کن. می‌رفتنند در جاهای مختلف، اقوام و ادیان را مقابل هم قرار می‌دادند، با ساخت اقوام و ادیان جعلی، اختلاف به وجود می‌آوردند. انگلستان جای کوچکی بود اما در کل دنیا سیطره و نفوذ داشت. الان نهاد این سیطره Commonwealth است با ۵۸کشور. شما تالیوی وزارت خارجه انگلیس را ببینید. نوشته است Office & Foreign Affairs. می‌گوید من وزارت خارجه ۵۸کشور دنیا هستم. خب اینها همان منش قدیمی انگلیس است و حاکمان نباید با منش کهنه حرکت کنند. شما توجه کنید که بازیگر فرامنطقه‌ای تا چند وقت پیش تاکتیک میدانی داشته است.

یعنی امروز ندارند؟

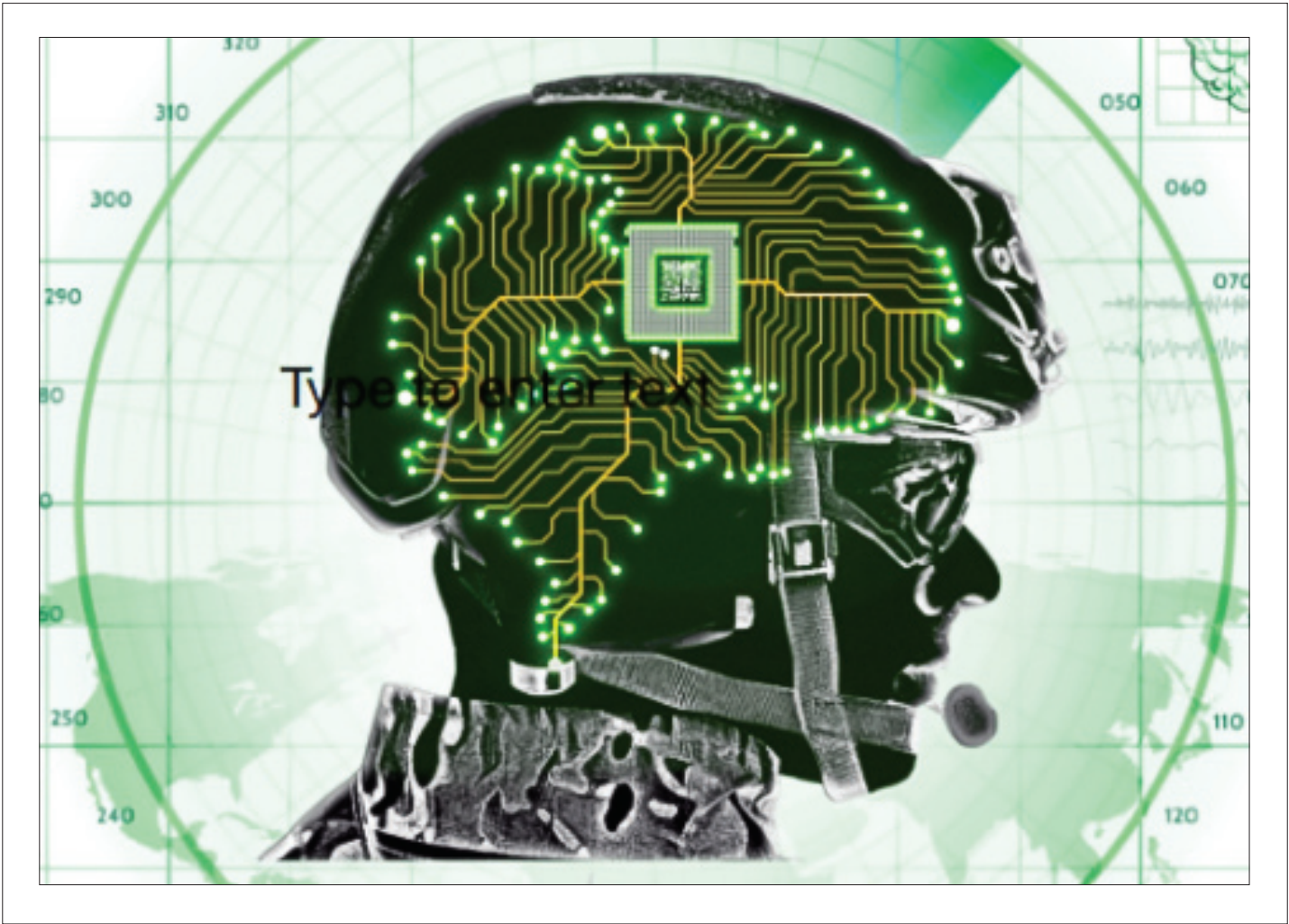
چرا، جنگ بین ارمنی‌ها و آذری‌ها در قریباغ، جنگ بین جمهوری ارمنستان و آذربایجان نمونه‌ای از تاکتیک میدانی است، اما امروز عرصه جنگ شناختی، سایبری و روانی است. ناتو در سال ۲۰۲۲ میلادی برای ۱۰سال پیش رو و ۳۰کشور عضو خود تکلیف کرده که سازوکار نبرد در عرصه ششم را به وجود بیاورند. عرصه ذهن انسان‌ها، نام جنگ، جنگ شناختی یا ادراکی است و امروز نیروی NATO Force Warfare Cognitive است. یعنی نیروی ششم، نیروی جنگ شناختی ناتو است و به تمام نیروهای نظامی هم تکلیف کرده است. عرصه اول زمین است، بعد دریا، هوا، فضا، سایبر و عرصه ششم ذهن انسان‌هاست و نام این جنگ ادراکی است.

یعنی در نهایت به این نقطه رسیده که اگر می‌خواهد نفوذ خود را حفظ کند باید وارد عرصه ادراکی یا شناختی شود.

جنگ، روایتگری‌هاست. الان با تغییر روایتگری‌ها اختلافات را به وجود می‌آورند. اصلاً در حادثه آذربایجان در تهران کسی دنبال اصل حادثه نرفت. مثل این است که ۲۵سال پیش یک روستایی اهل مرند می‌رود جمهوری آذربایجان و با یک خانم تبه جمهوری آذربایجان ازدواج می‌کند، همان جا آن خانم را

گفت‌وگو

سرویس اجتماعی ۸۸۹۸۴۴



با این راهبردها نخواهد بود. ما ۱۶-۱۵دانشگاه نیروی نظامی و انتظامی داریم که نیاز جدی در ورود به این عرصه‌ها دارند. الان دیگر شما نمی‌بینید که دزدها برون‌د با اسلحه گرم وارد شعبه شوند، اما می‌بینید که حساب شما هک شده است.

ما یکسری ساختارها تعریف کرده‌ایم مثل دستگاه سیاست خارجی که با تفکر ۱۰۰سال پیش کارهایی انجام می‌دهد، اما از آن طرف می‌بینیم در این دو سه دهه بر اساس فناوری‌های روز چقدر در دنیا تحولات روی می‌دهد. حس ما این است که دستگاه‌های ما انکار نتوانسته‌اند این تحولات را به درستی فهم کنند و در قدم بعدی متناسب با اتفاقات، بازطراحی در ساختارها و اولویت‌های خود داشته باشند. دیدگاه تان در این باره چیست؟

سیاست خارجی ما باید به نیازهای واقعی ما پاسخ بدهد و امروز مهم‌ترین نیاز ما مسئله اقتصاد است، بنابراین دستگاه سیاست خارجی ما باید در خدمت اقتصاد ملی باشد.

یعنی دیپلماسی اقتصادی؟

ساختار دیپلماسی اقتصادی راه افتاد، اما دقت کنید این ساختار حداکثر ابزاری که دارد زبان و قلم است. ما ۱۵راگان در کشور داریم که در حوزه تجارت خارجی ذخیل هستند، از طریق کمیسیون‌های فرامنطقه‌ای، می‌گویند منافع من چه می‌شود. شما هر سازمان و وزارتخانه از پنج تا ۹کشور را بسته به ظرفیت خود در کمیسیون مشترک اقتصادی پوشش می‌دهد. ما باید به این فعالیت‌ها انضمام بدیم، البته نمی‌خواهد نیرو استخدام کنیم و ساختمان بخریم. ما می‌توانیم این ۱۵نهاد را در یک جا با عنوان «وزارت امور منطقه‌ای» جمع کنیم، در رأس هم فقط باید یک وزیر بگذاریم. چرا وزارتخانه باشد؟ تا پاسخگو باشد. کارکرد این وزارتخانه چیست؟ پیوند اقتصادی با شرکای ما به ویژه با همسایه‌ها. هر چه جیبیم به جیب یک آذری، به جیب یک قفقاز جنوبی متصل باشد، پیوندها در جاهای دیگر هم شکل می‌گیرد. آن فرد دیگر نمی‌رود سراغ بازیگر فرامنطقه‌ای، می‌گوید منافع من چه می‌شود. شما نگاه کنید در دوسه دهه اخیر سیاست خارجی‌ها در خدمت اقتصاد ملی رفتند و ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیاز به تغییر ساختار داریم. دولت محترم پیشنهاد داده است ذیل رئیس جمهوری، معاونت بازرگانی راه بیندازند که به نظر کار اشتباهی است. اما اگر این ساختار با پوشش امور منطقه‌ای و سیاست خارجی باشد، جواب می‌دهد.

یعنی وزارت خارجه بازطراحی شود؟

نه، منظورم این است که این مقوله را از وزارت خارجه بگیرند و یک وزارتخانه مستقل تشکیل شود.

چرا وزارتخانه مستقل؟

چون وزارتخانه فعلی صرفاً یک معاونت دیپلماسی اقتصادی دارد و همچنان که اشاره کردم دو ابزار بیشتر ندارد: زبان و قلم. حالا شما برو توافق‌نامه و پروتکل امضا کن. در نهایت سازمان دیگری باید اجرا کند، در حالی که این همه باید در یک جا جمع شود. نمی‌شود یکی حرف بزند، یکی دیگر امضا کند و ۱۴-۱۳سازمان دیگر هم عمل کنند. آنها می‌گویند کسی که رفته حرف زده خودش هم عمل کند. ما باید این همه را به شکل تخصصی کنار هم ببینیم. امروز ما در برخی کشورهای دنیا یک وزارت خارجه داریم، یک وزارت تجارت خارجی و یک ساختار امور منطقه‌ای، یعنی کار با همسایگان. ما ۱۵همسایه کشوری و دو همسایه جنبی- قریب‌باغ و اقلیم کردستان عراق- داریم. پس قدم اول این است که وزارت امور خارجه و کل ساختار در خدمت اقتصاد ملی باشند. به جرئت می‌گویم کشورهای همسایه ما هر چه در ایران تولید شود، می‌خرند. این کشورها ایران را بازار خود می‌دانند. از ارزان بودن مسیر حمل‌ا تازران بودن کالا تا کیفیت خوبی که در ذهن مردمان قفقاز از جنس ایرانی نقش بسته و این ذهنیت هم به آن حوزه تمدنی ایران و خیلی از مؤلفه‌های دیگر برمی‌گردد.

خب چرا ما نباید از این ظرفیت استفاده کنیم؟ من همین را می‌گویم. شما به عنوان رسانه باید این همه را برای افکار عمومی، دولتمردان، دانشجویان، استادان و عامه مردم تبیین کنید. پس ما باید یک



از هر پنج نفری که در کره زمین زندگی می‌کند، یکی چینی و دومی هندی است. زبان حدود ۴۰کشور دنیا روسی است اما ما به این سه زبان رسانه نداریم. یعنی چینی‌ها، هندی‌ها و روس‌ها با این همه جمعیت ما پیوند ندارند. این روزها ما با این همه جمعیت می‌خواهیم ببینند ایران چه خبر است، باید بروند به زبان انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسوی رصد کنند



اگر ما بخواهیم این فضا را مدیریت کنیم به ویژه در رابطه‌مان با همسایه‌ها، قاعده تا باید بتوانیم در این جنگ شناختی مهار روایت‌ها را به دست بگیریم و اجازه ندهیم روایت‌ها به سادگی تحریف شود. حالا سؤال این است که آیا این ظرفیت در دستگاه‌های ما هست که بتوانیم روایت خودمان را از رویدادها هم به گوش مردمان و هم به گوش حاکمان این منطقه برسانیم و هم به گوش مردمان خودمان؟

ما بخواهیم یا نخواهیم باید این مسیر را برویم. متأسفانه نیروهای نظامی و انتظامی ما عرصه پنجم و ششم را پوشش نمی‌دهند. ۱۰سال گذشته در ناتو تکلیف، راه‌اندازی نیروی جنگ سایبری بود. عرصه ۱۰سال پیش‌رو جنگ و دفاع شناختی است، البته ناتو اعلام کرده است نیروی جدید استخدام نکنید و ساختمان هم نخرید. داشته‌های تان را بازمهندسی کنید. اعلام شده در دانشگاه‌های نظامی دو دانشکده جدید باید راه بیندازید: جنگ و دفاع سایبری و جنگ و دفاع شناختی. ناتو به کشورهای عضو اعلام کرده در وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح‌ان، دو معاونت جنگ و دفاع شناختی و سایبری باید راه بیندازید. ما متأسفانه این ساختارها نداریم و باید به زودی پیش‌بینی و راه‌اندازی کنیم. توجه کنید که ناتو اعلام کرده است یادگان‌هایی برای اداره رادیو و تلویزیون خاص ناتو برای ساخت فیلم و سریال در کشورهای عضو به وجود بیاید؛ نمایش برهن روی صحنه، چاپ روزنامه، کتاب و اداره خبرگزاری. اگر تا الان بوده و تالیلی نداشته است، از این به بعد با تابلو خواهد بود. آنها سریال می‌سازند به عنوان حلقه‌ای از جنگ شناختی. اینها چیزهایی است که ما متأسفانه کمتر داشته‌های‌ها را داریم. از شش عرصه نبرد در دنیا ناتو چهار عرصه را سخت معرفی کرده- زمین، دریا، هوا و فضا- و دو عرصه را نرم معرفی کرده است: سایبر و ذهن انسان‌ها. آشنایی با پدیده‌های جنگ نرم پدیده جدیدی است. باید آرام آرام در کشور ما ساختار پیدا کند. خود ناتو یک فرجه ۱۰ساله برای کشورهای عضو تعیین کرده است.

که در آن ۱۰سال خودشان را به آن استانداردها برسانند؟

بله، در ناتو گفته‌اند ورودی‌ها دیگر نمی‌تواند سیکل و دیپلم باشد که برود دانشگاه نظامی و سایبری و روانی است. ناتو در سال ۲۰۲۲ می‌گوید شما در قبال بازنشسته‌ها باید دکترای خبرنگاری، روزنامه‌نگاری، ارتباطات اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بیاورید و عضو ناتو کنید تا جزئی از لشکر سایبری یا شناختی باشد.

تعلل ما در پوشش هوشمندانه عرصه‌های جدید از کجا می‌آید؟

ما باید ببیزیریم که امروز در دنیا نبردها ترکیبی از عرصه‌های نبرد و راهبردها شده است، ترکیبی از عرصه‌ها، راهبردها و سبک‌ها از سخت تا نرم. پس ما باید در داخل به این سمت برویم که طرف مقابل را بفهمیم. فعلاً بحث ما فهمیدن است، بعد اقدام. اینها گفتمان‌ها، سبک‌ها و راهبردهای جدید است. فهم این راهبردهای جدید قدم اول است. ما باید بفهمیم راهبردهای ناتو در ۱۰سال آتی چه خواهد بود، وگرنه شیوه‌های مقابله ما متناسب



۱۰سال گذشته در ناتو تکلیف، راه‌اندازی نیروی جنگ سایبری بود. عرصه ۱۰سال پیش‌رو جنگ و دفاع شناختی است، البته ناتو اعلام کرده است نیروی جدید استخدام نکنید و ساختارها هم نخرید. داشته‌های تان را بازمهندسی کنید. اعلام شده در دانشکده‌های نظامی دو دانشکده جدید باید راه بیندازید: جنگ و دفاع سایبری و جنگ و دفاع شناختی

ساختار در خدمت اقتصاد ملی داشته باشیم، ضمناً این ساختاری که می‌خواهد برای اقتصاد ملی ما ظرفیت‌سازی کند و حلقه پیوند ما با همسایه‌ها باشد، همه بازیگرانش نباید دولتی باشند. تمام ساختارهای غیردولتی ما هم باید وسط بیایند. از اتاق بازرگانی تا اصناف، قرض‌کنند من به عنوان یک مدیر فردا می‌خواهم رابزین بازرگانی در کشور همسایه مستقر کنم، این رابزین نباید از وزارت خارجه خارج یا کارکنان وزارت صمت باشد. این وزارت خارجه است که رابزین‌های اقتصادی را می‌فرستد، چون بحث پروتکلی است اما رابزین‌های بازرگانی را که بحث تجار و تجارت است، وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌فرستد و اینجا صاحبان اصناف و تجارت هستند که باید میدان‌داری کنند، چون اینها صاحب کار هستند.

در واقع دولت سیاستگذاری و مسیر را برای فعالیت بخش خصوصی باز کند.

بله. شما هم به آنها هویت دیپلماتیک می‌دهید و مستقرشان می‌کنید و آنها امور را رتق وفتق می‌کنند. اگر وزارت تجارت خارجی راه افتاد، مجموعه این کنش‌ها زیرمجموعه آنجا می‌رود، اگر راه نیفتاد، همین وزارت صمت می‌تواند دیپلمات‌های بازرگانی خود را از بخش خصوصی بفرستد. در واقع آنها هستند که صاحبان اصلی تاجارتند. بحث بعدی تسهیل در تردد است. ما باید با همه کشورهای همسایه لغو روادید کنیم. خوشبختانه به ضرورت درباره قفقاز توجه شده است. ما با گرجستان و ارمنستان لغو روادید کردیم اما آذربایجان از ابتدا مقاومت کرده است. انگالی هم ندارد. خود را از بخش خصوصی بفرستد. در تردد است. ما باید با همه تسهیل در تردد یک نوع دیپلماسی مردمی است. هر چه مردم باهم ارتباط بگیرند، روابط پایدار است تا اینکه دولت‌ها بخواهند باهم ارتباط بگیرند، چون دولت‌ها چهار سال می‌آیند و بعد کنار می‌روند. حالرتیس جمهوری چهار سال دیگر هم باشد، وزیر که عوض می‌شود، اما وقتی مردم باهم ارتباط می‌گیرند این ارتباط در طولانی‌مدت ماندگار می‌شود. به چند نکته به صورت فهرست‌وار اشاره می‌کنم. اگر روابط سیاسی، دفاعی و نظامی خوبی بیوست اقتصادی، مردمی و فرهنگی داشته باشند، شکننده خواهد بود. نکته دیگر اهمیت دادن به سازش‌های منطقه‌ای است. امروز این سازمان‌ها بازیگران پیونددهنده کشورها باهم هستند. بعضی وقت‌ها دو کشور به هر دلیل در روابط دو جانبه نمی‌توانند باهم لینک شوند. بهترین کار این است که از طریق چندجانبه‌گرایی و انجمن‌های سازمان‌های منطقه‌ای، ارتباطات‌مان را بهبود بخشیم.

ما با کشورهای قفقاز جنوبی در چند سازمان منطقه‌ای از جمله اوکو، شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا عضو هستیم. خود این کشورها هم ساختارهای زیرمجموعه‌سی‌ای‌اس را دارند. بحث بریکس و بریکس پلاس هم به وجود آمده که می‌توانند جایی که روابط ما قفل است- بازیگر ثالث نمی‌گذارند- به عنوان حلال یا گرگ‌گشا استفاده شوند. ما نیاز به رسانه‌های خبری مثل شبکه خبر و پرس‌تی‌وی برای پوشش رویدادهای کشورهای مقابل‌مان داریم. از هر پنج نفری که در کره زمین زندگی می‌کند، یکی چینی و دومی هندی است. زبان حدود ۴۰کشور دنیا روسی است اما ما به این سه زبان رسانه نداریم. یعنی چینی‌ها، هندی‌ها و روس‌ها با این همه جمعیت می‌خواهند ببینند ایران چه خبر است، باید بروند به زبان انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسوی رصد کنند.

همچنان که ما در باره آنها.

بله، ایرانی هم همین‌طور. بازیگران ثالث پسر از آدرس‌های غلط هستند، پس ضرورت دیگر رسانه است که من بتوانم حرف یومیه خود را به آن چینی، روسی و هندی بزنم. این اتفاق در ارتباطات ما گرگ‌گشایی می‌کند. اینجا نقش خبرنگاران باید برترنگ باشد. ایجاد دفاتر خبری در این کشورها را نباید هزینه کرد ببینیم. اینها دستاورد ملی دارد. شما به عنوان خبرنگار در منطقه حضور داشته باشید، می‌توانید گرای درست بدهید به تاجر ایرانی و تاجر قفقازی و آسیای‌میانه و حلقه پیوند بین عرصه‌های مختلف باشید. به این ترتیب می‌توانید جنگ شناختی طرف سوم را که نمی‌خواهد این دو طرف به هم وصل شوند، خنثی کنید. متأسفانه رسانه‌های ما درگیر پول کاذب و تیراژ و مشکلات روزمره هستند، اینها را باید ملی دید. نظام باید به این بلوغ برسد. شما اگر وزارت تجارت خارجی داشته باشید، خبرنگاران تان را می‌توانید ذیل آن تعریف کنید: امور منطقه‌ای و سیاست خارجی و بعد گویید من فلان جلا‌فلان تجارت را کردم، این مقدار بودجه را هم برای او دو دفتر خبری ترتیب می‌کنم. دو روزنامه و دو خبرنگار موقت را مأمور این کار می‌کنم و می‌فرستم قفقاز که شما از این کشورها هر چه ظرفیت وجود دارد، به ما معرفی کنید و تاجر ایرانی را با آن تولید کننده قفقازی پیوند بدهید. به جای اینکه من بروم از برزیل گوشت بیاورم- می‌دانید یکی از معادن گوشت قرمز در کره زمین، قفقاز و آسیای‌میانه است-از آذربایجان و گرجستان وارد می‌کنیم. چطور این سال‌ها ما برق‌ها و گازهای‌مان را به هم لینک کردیم. در فصل‌هایی از سال گاز و برق می‌دهیم و در فصل‌هایی گاز و برق می‌گیریم. با گوشت هم می‌توان این کار را کرد. الان کشور دچار مشکل گوشت قرمز است. گوشت در قفقاز جنوبی فراوان است، اما چون ما نمی‌توانیم ظرفیت‌های رسانه‌ای، تجاری و بخش غیردولتی و تجارمان را با بخش سیاستگذاران و طرف مقابل به خوبی لینک کنیم، یعنی ظرفیت استفاده نمی‌کنیم. مثلاً شما غله می‌دهید و گوشت قرمز می‌گیرید یا گوشت سفید می‌دهید و گوشت قرمز می‌گیرید. این کارها به گردش اقتصادی کشور سامان می‌دهد. آن وقت اگر این پیوندها برقرار شد و ما این طور به هم دوخته شدیم، کشورهای منطقه به کشور ثالث جای با نمی‌دهند.

همان کاری که اتحادیه اورپا می‌کند. هوا بیما می‌خواهد ساخته شود، بال‌هایش در یک کشور ساخته می‌شود، موتور در کشور دیگر و مونتاژ در کشوری دیگر.

این همان چندجانبه‌گرایی و دوختن جیب‌ها به هم و یک کاسه کردن منافع است و باعث می‌شود کشور ثالث نتواند سوء استفاده کند.